

خوف نداشته باش!

حیله گر خاموش

آیا شما در انتظارید تا روز جدید فرا برسد و با توقعات فراوان برای چیزهای نیکو به انتظار آن می روید؟ خداوند ما را پیوسته می خواند تا برکاتی جدیدتر در سطحی بالاتر از او دریافت کنیم. او می خواهد تا ما از زندگی لذت ببریم. مسیح آمد تا به ما زندگی بدهد و ما از آن زندگی لذت ببریم و آن را به فراوانی داشته باشیم طبق یوحنا 10:10 (چنان پر تا سرازیر شود). از برنامه های یکنواخت روزانه بترسید که شادی و آرامش را از زندگی شما برون می کشد. مردم دوست ندارند که روزانه ظرف بشویند یا از خانه به سبزی فروشی و بر عکس رانندگی کنند و یا لباس بشویند آنها واقعاً بدشان می آید که همه روزه صبح از خواب بیدار شوند و شب به رختخواب بروند آنها حتی از تمام هفته بدشان می آید.

خوف یک نوع وحشت است - فقط نمونه کوچکی از آن- و نگرانی یک نوع دیگر از وحشت است. شیطان از ترس و وحشت در اشکالی که ما همیشه نمی توانیم تشخیص دهیم استفاده می کند تا شادی ما را بدزدد و مانع شود که آن گونه که خداوند برای ما در نظر گرفته است زندگی کنیم. در کتاب مقدس ما می بینیم که خداوند به مردمی که خوانده تا کارهای بزرگ انجام دهند می فرماید "ترس نداشته باشید" به دلیل اینکه ترس آنها مانع نشود تا آنها به جلو حرکت کرده و طبق اراده او عمل کنند. کتاب مقدس در دوم تیموتاوس 1 : 7 می فرماید که ترس از خداوند نیست.

"زیرا خداوند روح جن را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و تأدیب را."

در اول یوحنا 4 : 18 به ما می فرماید خوف، عذاب دارد. خوف عذاب دهنده و مانع شونده. مانع می شود که ما در اراده خداوند گام برداریم و از

حرکت ما به جلو در چیزهایی که خداوند خواسته است جلوگیری می کند و برکات او را دریافت نمی نمائیم.

همه ما از ترسی که معلوم و در مواقعی قابل تشخیص است آگاهیم، و وقتی ما ترس را می شناسیم می دانیم با آن چگونه برخورد کنیم. ولی اگر ترس و هراس را نشناسیم در کارهایی که هر روزه انجام می دهیم و در مشکلات کوچک روزانه، نمی توانیم با آنها برخورد نمائیم و بعد شیطان قادر خواهد بود که از آن روح ترس استفاده کند و لذت های زندگی را از ما بزدد. شاید تکرار تجربیاتی که ما هر روزه در فرمان و یا احساساتمان از ترس داریم از حساب خارج باشد. یا اینکه حتی بدانیم که موقعیتی که داریم روی ترس بنا شده است. بارها ممکن است که کاری را انجام ندهیم و فقط آرزو کنیم که آن وجود نمی داشت و بس.

اکثر اوقات ما از ناشناخته می ترسیم - از انجام دادن چیزهای جدید یا آزمودن آنها- و حتی نمی دانیم که ما در ترس هستیم. وقتی آرایشگر من که 7 یا 8 سال موهای مرا مرتب می کرد از کارش بازنشسته شد من با یک آرایشگر جدید قرار گذاشتم. وقتی داشتم به سمت آرایشگاه او رانندگی می کردم ناگهان احساس نگرانی کردم که مبادا موهایم به خوبی بارهای قبل نشود. من در ترس بودم و خودم هم آن را تشخیص نمی دادم. در آن لحظه روح القدس با من صحبت کرد و چیزی به من گفت که زندگی را عوض کرد. او گفت "راجع به همه چیز دعا کن و نترس".

راجع به همه چیز دعا کن و نترس

کتاب مقدس می فرماید "همیشه دعا کنید" (اول تسالونیکیان 5 : 17)

دعای مؤثر به مکانی که در آن دعا می کنیم یا وقت و حالت بخصوصی بستگی ندارد. خداوند می خواهد ما در دعا کردمان همانقدر راحت باشیم که در نفس کشیدمان. ما وقتی دعا می کنیم ایمان خود را آزاد می کنیم و خداوند از ما می خواهد که آماده باشیم که در هر لحظه ایمانمان را آزاد

کنیم. پس وقتی ترس آمد و در خانه ما را زد ایمان آنجاست که جواب بدهد و این حیاتی است! ایمان تنها چیزی است که قدرت غلبه بر ترس را دارد.

بیدار باشید و دعا کنید

کتاب مقدس می فرماید: که بیدار باشیم و دعا کنیم (متی 26: 41 و مرقس 14: 38). بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیافتید. روح راغب است لیکن جسم ناتوان (متی 26 : 41)

خواست من این است که روح القدس از پیغام این کتاب استفاده کرده چشمان شما را باز کند تا ترس را در تمام شکلها و گونه هایش بشناسید تا بتوانید نسبت به آن بیدار باشید و آماده باشید تا دعا کنید - دعا کنید که وسوسه نشوید تا نرسید!

برخی افراد فکر می کنند بیدار بودن و دعا کردن درکلام مقدس به این معنی است که مواظب بقیه باشیم - بیدار باش و قضاوت کن، بیدار باش و سرزنش کن! خیر معنی آن اینست که مواظب خودمان باشیم به خصوص معنی آن اینست که مواظب چیزهائی باشیم که سعی می کنند آرامش و شادی ما را که به عنوان فرزندان در ملکوت خداوند هستیم از ما بدزدند. (رومیان 14 :

(17

البته می تواند این معنی را هم داشته باشد که مواظب چیزهائی باشید که ممکن است سعی کنند ما را به این فکر بیندازند که ما در راستی با خداوند نیستیم (چیزی که انسان را برای خداوند قابل قبول می کند رومیان 14 : 17).

اگر مسیح را به عنوان نجات دهنده پذیرفته اید، پس با خداوند در جای صحیح قرار دارید.

(دوم قرنیتیان 5 : 21). اگر شما گناهی مرتکب شده اید و از خداوند طلب بخشایش نموده اید ، او شما را بخشوده است! (اول یوحنا 1 : 9) همان لحظه

که می خواهید احساس محکومیت کنید، شروع به دعا کردن نمائید. در وضعیت ترس از اینکه خداوند از تو راضی نیست، زندگی مکن.

گناه شما در زیر خون است

اگر شیطان شروع به آوردن محکومیت بر روی شما کرد، شما شروع به سخن گفتن با کلام نمائید بگوئید "حالا یک دقیقه صبر کن....."

من می دانم کاری که کردم اشتباه بود، ولی من توبه کرده ام گناه من زیر خون عیسی مسیح است.

پارسایی من بر پایه اساس اینکه تمام کارها را کاملاً درست انجام دادن نیست، من با خداوند در جای درستی قرار دارم زیرا او مرا به واسطه خون مسیح پارسا نموده است. من به عیسی مسیح اعتقاد دارم و از گناه و محکومیت پاک شده ام.

گناه من بخشوده شده. گناهی که شیطان سعی می کند که به من ببندد، بایستی برود. من بیش از این زیر این محکومیت زندگی نمی کنم، در نام مقدس مسیح (برمبنای اول یوحنا 1 : 7 و 9)

همانگونه که شما بیدار و مواظب هستید و دعا می کنید، چشمان شما باز می شوند، به حیرت خواهید آمد که از چه چیزهایی ترس یا خوف دارید. به همان دلیل وقتی شیطان احساسات و افکار منفی می آورد شما هر چه بیشتر از کلام مقدس سخن بگوئید شادی بیشتری را تجربه می کنید در غیر این صورت او مداوماً با ترس، عذاب، گناه و محکومیت بر سر شما می کوبد و تا شما را از لذت بردن از زندگیتان باز ندارد، آرام نمی نشیند. من سالها به شیطان اجازه دادم این کار را با من انجام دهد ولی دیگر به او این اجازه را نمی دهم. با این حال هنوز شگفت زده ام از چیزهایی که برایم ثابت می شود که از آنها هراس دارم.

من اخیراً وقتی داشتم یک ماساژ صورت می گرفتم این را دیدم. یک شخص به عنوان برکت دادن به من ماساژ صورت می دهد. این ماساژها خیلی به من آرامش می دهند و وقتی تمام میشود من احساس خیلی خوبی دارم. آن خانمی که

این ماساژ را میدهد شما را وادار میکند یک حوله پارچه ای بپوشید. من حسابی احساس راحتی می کردم و از آن تجربه بی اندازه لذت می بردم. به لباسهایی که به این منظور پوشیده بودم نگاه کردم و فکر کردم من از پوشیدن اینهمه لباس و رفتن به خانه هراس دارم. من نمی خواستم حرکت کنم و کاری می کنم که انجامش در مقایسه با آن ماساژ صورت لذت بخش و تفریحی بود. هراس نه تنها تجربه آن لذت ها بلکه آن شادی را که می توانستم با خودم ببرم را از من گرفت.

وقتی شما چیزی را که از آن لذت می برید ترک می کنید ، شیطان دلیلی دارد: شما را دقیقاً به سوی چیزی حرکت می دهد که از آن هراس دارید و شما لذتهایی را که از شادی آن تجربه داشتید از دست می دهید.

یادداشت: در همان لحظه ای که از چیز بعدی می ترسیم، از لذت بردن چیز قبلی نیز محروم می شویم. من این را در مردمی که به موعظه های من می آیند می بینم، در آغاز آنها از بودن در آنجا هیجان زده هستند ولی وقتی به اواخر جلسه می رسیم از فکر رانندگی به سوی خانه به هراس می افتند. می بینید که شیطان چگونه از هراس تقریباً در همه چیزها استفاده می کند تا خوشی های شما را در زندگی از شما بدزدد. اگر شما مانند اکثر مردم هستید، معدود وقتهایی در زندگیتان هست که احساس می کنید واقعاً وقت خوبی دارید.

هراس، روح ترس است که از جهنم فرستاده شده تا نابودی بیاورد.

قدرت برای شکست دادن ترس

ترس با تجاوزگری و خشونت به دنبال ما می آید به این دلیل که ترس متجاوز است، ما نمی توانیم آن را مجهولاً و غیابی شکست دهیم بلکه باید از قدرتی که به عنوان مسیحی در اختیار ماست استفاده کنیم - مسیحیت - بر علیه شیطان تجاوزگر.

ای فرزندان شما از خدا هستید و بر ایشان غلبه یافته اید زیرا او که در شمایست بزرگتر است از آنکه در جهان است. (اول یوحنا 4 : 4).

ولی اگر ما برآنکه در ماست بر علیه آنکه در جهان است تکیه نکنیم پس آنکه در جهان است بر ما غلبه خواهد کرد.

جسم شما، این شمای جسمانی طبیعی، نمی خواهد بر علیه شیطان قد علم کند بلکه می خواهد طبق احساسات عمل کند. می خواهد فقط آرزو کند که مشکل بر طرف شود. می گوید: ای کاش من مجبور نبودم بچه ها را از مدرسه بردارم یا ای کاش در این هوای به این گرمی مجبور نبودم به بیرون از خانه بروم. نمی خواهم اینقدر احساس گرما کنم. ای کاش مجبور نبودم اینکار را بکنم، ای کاش مجبور نبودم آن کار را بکنم.

جسم باعث می شود شما شکست خورده باقی بمانید و تمام وقت از درون پنجر و تو خالی باقی بمانید. شما ناآگاهانه اجازه می دهید که احساسات منفی، افکار و ترسهای کوچک به سراغ شما بیایند و دنده آرزوی شما را به کار بیاندازد. گفتن چیزهایی مانند "ای کاش این مسائل را در فکرم نداشتم" باعث نمی شود تا شیطان آرامش و شادی را از شما نرباید. برخورد تهاجمی با او اینکار را می کند و ما به عنوان ایمانداران به مسیح خداوند آن قدرت را داریم و هر آنچه برای برخورد با او لازم است در اختیار داریم. -روح خدای زنده که درون ما ساکن است.

نه با این احساسات کنار بیایید و نه با این افکار، بلکه از قدرت خداوند که در اختیار شماست استفاده کنید.

ملکوت را تسخیر کنید

و از ایام یحیی تمعید دهنده تا الان، ملکوت آسمان مجبور می شود و جباران آن را به زور می ربایند (متی 11 : 12).

احتیاج است که ما مسیحیان خشن و سخت باشیم، اما نه با مردم، بلکه با شیطان! مهاجم باشید! مواظب خودتان باشید - اگر آرامش کم کم شروع به

بیرون رفتن از شما کرد، اگر احساس نگرانی کردید یا دلواپس شدید و یا اگر قضاوت کننده شدید یا نسبت به مردم انتقاد گر شدید به محض اینکه حس کردید یا متوجه شدید چه اتفاقی دارد پیش می آید، با شیطان تهاجمی برخورد کنید - برای مثال دعا کنید، اگر متوجه شدید که قضاوت می کنید یا شخص دیگری را به باد انتقادهای خود گرفته اید، بر علیه آن افکار سخن بگوئید. بگوئید:

من انتقاد کننده و قضاوت کننده نخواهم بود. برطبق رومیان 5 : 5 محبت خداوند بوسیله روح القدس مرا پوشانده است و من در محبت گام بر میدارم. من در قضاوت و انتقاد گام بر نمی دارم. من نسبت به مردم رفتار بدی نخواهم داشت. من اشکالات خودم را دارم و در نتیجه حقی ندارم که دیگری را قضاوت کنم. خداوندا مرا ببخش که شخص دیگری را انتقاد کردم و به من کمک کن که در محبت گام بردارم. در نام مسیح آمین!

اگر شما احساس می کنید که مشکلی وجود دارد و نمی دانید که آن چیست از خداوند بپرسید: اینجا چه خبر است؟ و او به شما نشان خواهد داد. ممکن است متوجه شده اید که مسئله نگرانی است و یا شما کار اشتباهی انجام داده اید و توبه نکرده اید یا با کسی بد رفتاری کرده اید و بعد اینطور وانمود کرده اید که مهم نبوده است.

خداوند به شما نشان خواهد داد که چرا آرامش و شادی ندارید. خیلی وقتها اگر احساس می کردم که مسئله ای وجود دارد ولی خودم نمی توانم آن را شناسایی کنم، از خداوند پرسیده ام که مسئله چیست؟ او پاسخ داده: "ترس" و کاملاً درست بوده، من متوجه شده ام که از چیزی می ترسم. شما تعجب خواهید کرد که به چه سرعتی می توانید از آن حمله های پنهانی رها شوید، اگر بیدار باشید و دعا کنید.

اول یوحنا 4 : 18 می فرماید : در محبت خوف نیست بلکه محبت کامل خوف را از بین می برد زیرا خوف عذاب دارد و کسی که خوف دارد در محبت کامل نشده است.

شما ممکن است بدانید خداوند شما را دوست دارد، ولی هنوز در ترس هستید. اگر این چنین است شما باید در درک محبت خداوند نسبت به خودتان رشد کنید زیرا وقتی دانستید خداوند چقدر شما را دوست دارد، ترس ناپدید می شود و خوفی وجود نخواهد داشت!

خداوند شما را دوست دارد و می خواهد آنقدر به شما برکات بدهد که از تصور شما خارج است او می خواهد در همه زمینه ها پیروزی را نصیبتان کند (پیروزی بر گناه، در سلامتی شما و امور مالی، اجتماعی).

او می خواهد به شما شادی بدهد. او می خواهد شما محبت او را دریافت کنید، لحظه به لحظه و در هر موقعیتی فقط در ایمان گام بردارید و در همه امور به او اعتماد کنید. محبت کامل خوف را بیرون می اندازد (اول یوحنا 4 : 18) و خداوند محبت کامل است. وقتی شما مکاشفه داشتید که آن محبت نسبت به شما چقدر کامل است هیچ چیزی قادر نخواهد بود که باعث ترس شما بگردد.

تدهین (مسح با روغن) شدن برای انجام کارهای عادی

عبرانیان 12 : 3-1 می فرماید : با صبر در آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است بدویم ...

پس تفکر کنید در او که متحمل چنین مخالفتی بود که از گناهکاران به او پدید آمد، مبادا در جاهای خود ضعف کرده، خسته شوید (آیه 3).

آیا شما به یک سبد پر از لباسهای کثیف نگاه می کنید و می خواهید در فکر خودتان احساس ضعف کنید؟ آیا فکر زدن چمن های باغ شما را افسرده می کند؟ آیا از تلفن زدن به فرد بخصوصی یا حتی برنامه ریزی یک مهمانی خوف

دارید؟

خداوند به من آموخته که از زندگی لذت ببرم بایستی بیاموزیم که از همه چیز لذت ببریم. ممکن است بپرسید، حالا چطوری از خانه تمیز کردن لذت ببرم؟ همه آنها بستگی به طرز فکر شما دارد.

خوف در فکر شماست

ابلیس برای ما برنامه ریزی کرده است بطوریکه از چیزهای مخصوصی لذت ببریم، ولی از چیزهای دیگر خوف داشته باشیم. برای مثال دخترم به من گفت: به خاطر دارم که از کار کردن تمام هفته خوف داشتم ولی واقعا "چشم انتظار تعطیلات آخر هفته بودم و به محض اینکه این تعطیلات نزدیک به آخر می شدند از بازگشت دوباره به کار خوف برم میداشت. نمی شود گفت چند میلیون نفر انسان از شغلهایشان متنفر هستند. ولی اگر شما آن کار را می کنید، بهتر است که از آن لذت هم ببرید. خوف هر لذتی را که شما حین کار کردن می برید از شما می دزدد. و همینطور شادی را وقتی سر کار هم نیستید و در استراحتید از شما می دزدد، چون از بازگشت به کار خوف دارید. ما به عنوان مسیحیان می توانیم کارهایی که خوشایند نیستند انجام دهیم و از آنها لذت ببریم چون روح القدس در ماست. ما می توانیم حتی در حین شرایط ناخوشایند و سخت از وجود او لذت ببریم. این افتخاری است که نصیب آنانی که نجات را دریافت نکرده اند، نشده است. شادی ما از کسی که درون ماست می آید.

طرز فکر خود را دوباره تنظیم کنید

سال گذشته شوهرم، دیوید و من و چند نفر از گروه خدمتی ما به هندوستان رفتیم. مدت پرواز حدود شانزده ساعت بود، برای نشستن در هواپیما ساعات زیادی است. اگر در طرز تفکرمان هراس راه داشته باشد دهانی پر از هراس خواهید داشت. متوجه شدم که دارم بخودم می گویم:

"از بودن در هواپیما برای شانزده ساعت هراس و نفرت دارم. آن مدت بی حرکت نشستن برای من واقعا" مشکل خواهد بود و می دانم که سفری خسته کننده خواهد بود." من در عوض می توانستم بگویم:

"من دارم به هندوستان می رسم - ایمان دارم که خداوند این سفر را جالب خواهد کرد و ما همگی وقت خیلی خوبی در این هواپیما خواهیم داشت." خداوند به ما نشان داد که اگر فکر ما را روی لذت بردن از سفر متمرکز کنیم سفر بدی نخواهد بود. ما افکارمان را تنظیم کردیم تا از بودن با یکدیگر لذت ببریم و وقت به سرعت سپری شود. و از سفر لذت ببریم.

به عنوان ایمانداران به مسیح ما مردم فوق طبیعی هستیم ما از قبل می توانیم تصمیم بگیریم که از انجام کاری که معمولاً آن را دلپذیر و لذت بخش نمی دانیم، لذت ببریم. ما می توانیم خود را تنظیم کنیم که لذت ببریم یا غم زده باشیم. تمام اینها بستگی دارند به حالتی که ما تصمیم گرفته ایم داشته باشیم. وقتی از چیزی خوف داریم می توانیم تصمیم بگیریم و بگوییم: من از آن هراس نخواهم داشت. سپس می توانیم بوسیله دعا کردن ایمانمان را آزاد کنیم و به سادگی بگوییم خداوندا من از تو تشکر می کنم که به من کمک می کنی تا این وظیفه و مأموریت را انجام بدهم در حالت طبیعی ناخوشایند است ولی تدهین و دست تو می تواند بر من بیاید و آن را دلپذیر کند.

چون من فوق طبیعی هستم، می توانم از این وظیفه لذت ببرم هر چند دیگران ممکن است لذت نبرند. شیطان خواهد توانست شادی مرا در آن بدزدد. در نام مقدس مسیح!

اگر از تمیز کردن خانه هراس و نفرت داریم ولی باید اینکار را انجام بدهیم، چه فایده دارد که از انجام آن هراس داشته باشیم؟ در عوض باید اینگونه با آن برخورد کنیم: من باید این خانه را تمیز کنم. و با حالت خوب اینکار را می کنم. من شادی خداوند را دارم. من می توانم از هر چیزی لذت ببرم. اگر ما فکرمان را اینگونه تنظیم کنیم، از انجام دادن هر کاری در زندگیمان لذت خواهیم برد.

روحانی بودن

سالها قبل خداوند شروع به نشان دادن چیزی به من کرد : من چیزهای روحانی ای دیدم که خیلی مهم هستند و از آنها لذت می برم ولی از همه کارهای دنیوی هراس داشتم . احساس می کردم اینها چیزهایی هستند که می بایستی با عجله تمامشان کنم تا بتوانم به انجام کارهای روحانی بپردازم . شیطان از آن فریب استفاده می کرد تا شادی مرا بدزدد .

من وقتی دعا می کردم یا کلام مقدس می خواندم یا موسیقی پرستشی یا نوارهای آموزشی گوش می کردم یا وقتی در گردهمایی روحانی بودم واقعاً احساس خوبی نسبت به خودم داشتم . احساس می کردم خیلی مهم هستم . راجع به امور روحانی احساس خوبی داشتم چون فکر می کردم آن چیزها برای خداوند شاد کننده هستند . می خواستم وظایف "دنیوی" عادی مانند خرید مواد غذایی و تمیز کردن خانه را هر چه سریعتر تمام کنم تا به چیزهایی که فکر می کردم واقعاً مهم هستند برسم . واقعیت قضیه این است که ما برای انجام کارهای دنیوی روزمره وقت بیشتری می گذاریم تا هر چیز دیگر . خداوند می خواهد بر روی ما دست بگذارد و بصورت فوق طبیعی تدهینمان کند تا کارهای عادی روزمره را به طریقی انجام دهیم که بتوانیم در حین انجام آنها بی اندازه شاد باشیم . در اینجاست که ما می توانیم برای دنیا شاهد باشیم .

هر کسی می تواند وقتی در خوشی است از زندگی لذت ببرد . ولی مسیحیان در هر وضعیتی می توانند از زندگی لذت ببرند زیرا ما می دانیم که خداوند در جستجوی راه هائی است که محبت خودش را در هر لحظه به ما نشان دهد . به خاطر داشته باشید محبت خداوند ترس را بیرون می اندازد و هراس نوعی ترس است . در نتیجه وقتی ما از چیزهایی هراس داریم در حقیقت در محبت و مواظبت خداوند از خودمان قدم بر نمی داریم هراس را رد کرده و دور بیندازید و شروع به لذت بردن از تمام جنبه های زندگی تان کنید .

وفادار در چیزهای کوچک

ما در خود همان قدرتی را داریم که خداوند قادر مطلق که مسیح را از مردگان برخیزانید! (رومیان 8 : 11).

اگر یک سبد پر از لباس کثیف ما را شکست دهد یا رفتن به فروشگاه خواربار و سبزیجات ما را به غش کردن وادارد، این نشانه خوبی است از این که ما از قدرتی که از طریق مسیح در ما هست استفاده نمی کنیم. چیزی مانند پوشیدن لباس، پس از گرفتن ماساژ و رانندگی به خانه، ما را به هراس می اندازد و ما واقعاً از زندگی لذت نمی بریم. ما با تکیه بر روی قدرت خداوند از انجام کارهای کوچک و عادی که بیشتر وقت ما را در روز اشغال می کنند، لذت خواهیم برد. معمولاً برای ما اتفاق نمی افتد ولی اگر این کارهای عادی برای ما مشکلات دنباله داری هستند، باید خیلی واضح باشد که شیطان مشغول استفاده از هراس برای حمله ای بزرگ به بدن مسیح است. اگر این فریبکار خاموش می تواند باعث شود که ما از انجام کارهای دنیوی روزمره هراس داشته باشیم، پس می تواند مانع گام زدن پیروزمندانه ما در تمام مقاطع زندگی نیز باشد. هراس داشتن از تمام آن چیزهای کوچک، چیزهایی که ما فکر می کنیم اهمیت ندارند، مسأله ای است که شادی را از ما می دزدد.

از طریق متی 25 : 21 خداوند به ما می فرماید: اگر بر چیزهای اندک امین باشیم او ما را بر چیزهای بسیار خواهد گماشت. مردم در جلسه های خدمتی من وقتی این اظهارات را می شنوند، می خندند، ولی منظور مرا می گیرند. اگر شما بر سبدهای پر از لباس کثیف اقتدار نداشته باشید، پس به خودتان زحمت ندهید که سعی کنید شیطان یا ارواح شریر را از کسی بیرون کنید.

ما فکر می کنیم که میبایستی از قدرت خداوند برای چیزهای بزرگ "روحانی" استفاده کنیم - برای خودمان و برای موعظه فوق طبیعی به دیگران. ولی یک دلیل اصلی که خداوند قدرت خودش را به ما داد این است

که هر روز ما را قادر سازد تا لحظه به لحظه پیروزمندانه زندگی کنیم. او از ما می خواهد که از پس کارهای عادی روزمره در زندگی مان برآییم بدون اینکه بوسیله احساساتمان و افکارمان -به عنوان ایمانداران-، شکست بخوریم. شادی بایستی بطور مرتب از آن ما باشد. خداوند به ما ارث روحانی خودش را داد تا از آن لذت ببریم که ما نیز در وی میراث او شدیم چنانکه از پیش معین گشتیم بر حسب قصداو. که همه چیزها را موافق رای اراده خود می کند. افسسیان1: 11-12

ما می توانیم با بهره گیری از میراث روحانی خود با احساسی از آرامش و ایمنی که حاکی از دانستن این است که کی هستیم و متعلق به چه کسی می باشیم، زندگی کنیم.

بیدار و هوشیار باشید و دعا کنید نسبت به ترس بیدار باشید و همینطور نسبت به هراس و عذاب نگرانی و دلواپسی در زندگیتان، و بگویید "نه، من اینطور زندگی نمی کنم خداوند برای من صلح و شادی معین کرده، من به سختی سعی خواهم کرد تا ذره به ذره آن میراثی را که به من داده خرج کنم. وقتی به بهشت بروم و او را رو در رو ببینم، می خواهم مطمئن باشم که تمام چیزهایی که روی زمین به من داده بود خرج کرده ام.

با مشکلات وقتی کوچک هستند روبرو شویم

یکی از مسائلی که اکثر مردم از مواجه شدن با آن لذتی نمی برند روبرو شدن با دیگران است. از آن هراس دارند!

گروه خدمتی ما هم اکنون شامل تعداد زیادی عضو می باشد به نام "زندگی در کلام". آنها مردمی بسیار خوب هستند که من قدرشان را خیلی می دانم ولی مسلماً همه آنها آدمهای بی نقصی نیستند. به نظر می رسد که ما همیشه باید در حال روبرو شدن با وضعیت هایی باشیم که نیاز به اصلاح دارند. من قبلاً از اصلاح کردن اعضاء گروه هراس داشتم بعضی افراد از اینکار برداشت خوبی ندارند یا به عبارت دیگر ناراحت می شوند و من نمی خواهم احساسات

مردم را جریحه دار یا آنها را عصبانی کنم ولی برای داشتن یک خدمت قوی و نیرومند، بدون نزاع و ستیزه، راه دیگری ندارم به جز اینکه با مسائل به محض اینکه بوجود آمدند برخورد کنم.

سالها قبل خداوند به من مکاشفه ای داد که نزاع و ستیزه روحی است که از دوزخ برای نابودی فرستاده شده است. این روح می تواند نابودی زندگی ها، انهدام کلیسا ها، شرکتهای تجاری و مالی را به بار آورد. او به من نشان داد که بایستی آن را از زندگیهایمان بیرون نگهداریم.

عدم برخورد با آن، در را برای نزاع و ستیز باز می کند. گاهی اوقات شما یک مسئله کوچک را می بینید که در حال جوش آمدن است ممکن است به دلیل کوچکی مسئله با آن برخورد نکنید و ترجیح دهید که اهمیتی به آن ندهید و یا اینکه فکر کنید که خود به خود از بین می رود. اما در هر صورت اگر شما با مشکل وقتی کوچک است برخورد نکنید آن مسئله از بین نمی رود بلکه فقط بزرگ و بزرگتر می شود.

روباهای کوچک

شغالها، شغلهای کوچکتر را که تاکستانها را خراب می کنند. زیرا که تاکستانهای ما گل آورده است. (غزل غزلهای سلیمان 2 : 15)

اکثر اوقات ما فکر می کنیم اگر مشکلات بزرگ را حل کنیم زندگیهایمان عالی خواهد شد، ولی بیشتر وقتها مشکلات کوچک (شغالهای کوچکتر) هستند که ما را در تنگیها قرار می دهند. اگر کسی چیزی به شما بگوید یا کاری کند که باعث ناراحتی تان شود و با آن برخورد نکنید، شما مشکل کوچکی خواهید داشت. هر بار که شخصی احساسات شما را خدشه دار می کند، یک مشکل کوچک دیگر نیز خواهید داشت و هر بار مشکل شما یک ذره بزرگتر می شود و بالاخره در یک نقطه وقتی آن شخص کاری غیر منطقی یا نامربوط، بدون هشدار قبلی انجام بدهد، شما بیدرنگ به حالت انفجار در خواهید آمد.

چرا؟ زیرا شما با آن مشکلات کوچک همان موقع که رسیدند برخورد نکردید. وقتی مسئله کوچکی را دیدید، باید همانجا با آن برخورد کنید. اگر جایی

هستید که می توانید با صدای رسا صحبت کنید، بگوئید و دعا کنید. فوراً بگوئید: خداوند، من آن شخص را می بخشم. من ناراحت نمی شوم. من این ناراحتی را انبار نمی کنم چون حاضر نیستم در عذاب زندگی کنم. من اجازه نمی دهم شیطان شادی مرا بدزدد. در نام مسیح

اگر با تمام چیزهای کوچکی که از آنها هراس دارید برخورد کنید، برخورد با چیزهای بزرگ آسانتر می شود.

در ابتدا وقتی من داشتم آموزش می دیدم که چگونه برای امور مالی خودم به خداوند ایمان بیاورم، برایم ایمان آوردن به خداوند برای خرید کفشهای تنیس بچه ام سخت تر بود تا ایمان آوردن به فراهم شدن میلیونها دلاری که احتیاج داشتیم تا این گروه خدمتی را اداره کنیم. چرا؟ چون ایمانم بر روی چیزهای بزرگتر تمرکز داشت. بیشتر مردم نمی خواهند که وقت بگذارند تا با چیزهای کوچک برخورد کنند. سپس وقتی چیزهای بزرگ پیدا می شوند، آنها آماده نیستند تا با آنها برخورد و مقابله کنند.

حمله کردن به مشکلات کوچک و کارهای کوچک برای شما به سختی شادی می آورند ولی سرانجام: بر چیزهای اندک امین بودی ترا بر چیزهای بسیار خواهم گذاشت به شادی خداوند خود داخل شو (متی 25 : 21)

تصمیم بگیرید که با هر مسئله چه کوچک و چه بزرگ همانگونه که خداوند به شما نشان می دهد برخورد کنید. از مقابله با مشکلات هراس نداشته باشید، بر عکس بدانید که خداوند به شما کمک خواهد کرد هر کار که شما را بدان هدایت کرد به انجام برسانید. او به ما حکمت و شجاعتی را که نیاز داریم خواهد داد، به شرطی که حاضر باشیم گام برداریم.

خداوند سرزمین را به شما داده-آن را بگیرید!

به خاطر داشته باشید برای مقابله با هراسها احتیاج به ایمانی سخت و محکم است تا ملکوت خداوند را که میراث ماست به جنگ آوریم.

خداوند اسرائیلیها را از اسارت در مصر بیرون آورد تا به سرزمینی که به آنها وعده داده بود که به میراث بدیشان بدهد، بروند - سرزمینی که به شیر و شهد جاری است. (لاویان 20 : 24)

سرزمین کامیابی. خداوند سرزمین موعود را به بنی اسرائیل داده بود. آنها فقط بایستی آن را می گرفتند! اینک یهوه خدای تو این زمین را پیش روی تو گذاشته است پس بر آی و چنانکه یهوه خدای پدران تو گفته است، آن را به تصرف آور و ترسان و هراسان مباش. تثنیه 1: 21

ده نفر از دوازده نفری که موسی پیشاپیش فرستاده بود تا آن سرزمین را دیده و جاسوسی کنند گزارشی ناگوار آوردند- با وجودیکه سرزمین نیکو بود و منفعت آنجا بود! فوراً اسرائیلیها در فکرایشان غش کردند- آنها تمام شب گریه کردند. (اعداد 13: 33 و تثنیه 1 : 21-25) تثنیه 1 : 25-30 تمام جریان را توضیح می دهد: "و از میوه زمین بدست خود گرفته آن را نزد ما آوردند و ما را محیر ساخته گفتند زمینی که یهوه خدای ما به ما می دهد نیکوست. لیکن شما نخواستید که بروید بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید و در خیمه های خود مهمه کرده گفتید چونکه خداوند ما را دشمن داشت ما را از زمین مصر بیرون آورد تا ما را بدست اموریان تسلیم کرده هلاک سازد. و حال کجا برویم چونکه برادران ما دل ما را گداخته گفتند که این قوم از ما بزرگتر و بلندترند و شهرهای ایشان بزرگ و تا آسمان حصاردار است و نیز بنی عناق را در آنجا دیده ایم. پس من به شما گفتم مترسید و از ایشان هراسان مباشید یهوه خدای شما که پیش روی شما می رود برای شما جنگ خواهد کرد، بر حسب هر آنچه به نظر شما در مصر برای شما کرده است."

اسرائیلیان دیدند که خداوند سرزمین خوبی به آنها داده است. او به آنها گفت که بروند و آن را تصرف کنند و نترسند، یا وحشت و هراس نکنند، ولی در عوض بنی اسرائیل تصمیم گرفتند به او اعتماد نکنند. آنها ناراضی و رنجیده و شاکی شده در چادرهایشان (خیمه ها) نشستند. آنها فکر کردند خداوند از آنها متنفر است چون آنها را به طرف نبرد هدایت می کند پس

تسلیم ترسهایشان شدند و بر خلاف دستور او طغیان کرده، سرزمین را تصرف ننمودند. دهانشان پر از هراس و تنفر بود با گفتن اینکه آنها تسلیم اموریان خواهند شد. بنی اسرائیل اهدام خودشان را نبوت کردند. آنان قبل از وارد شدن به نبرد شکست خود را پذیرفته بودند.

به اعتقاد من چون ما ایمانداران معبد‌های روح القدس هستیم (اول قرن‌تینان: 6: 19) الان جسم ما "خیمه" خداوند است. گاهی ما در جسم ناراضی و شاک می شویم. اگر ما خود را در وضعیتی ببینیم که به نظر می رسد به همان بدی وضعیتی است که خداوند به تازگی ما را از آن بیرون آورده، او را سرزنش می کنیم و می گوییم: "اگر مرادوست داشتنی از این وضعیت نجات می دادی. تو باید از من متنفر باشی وگرنه هرگز مرا به اینجا نمی آوردی تا با این دشمن روبرو شوم." این خیلی سخت است. به جای اینکه با ترسهایمان مقابله کنیم و رویاروی شویم، به تسلیم تن می دهیم.

دست گذاری شدیم تا به پیشروی ادامه دهیم

در وضعیت های مشکل مانند مشکلی که در بالا نام برده شد، خداوند ما را دست گذاری نموده تا با این مشکلات روبرو شده، از آن عبور کرده و به پیشروی ادامه دهیم. او ما را خوانده تا با قدرت هر چه تمامتر سرزمین را فتح کنیم-تا ملکوت را با قدرت بگیریم. بله او از بعضی موقعیت ها نجاتمان می دهد ولی در بقیه موارد ما را خوانده تا خود از آنها عبور کنیم. مزمور 23 : 4 می فرماید:

چون در وادی سایه موت نیز راه روم، از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی.

شیطان گاهی اوقات "با تندی" به ما می گوید تا تسلیم شده و دست بکشیم. در تثنیه 30 : 11 می گوید: زیرا این حکمی که من امروز به تو امر می فرمایم برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست. احکام خداوند

برای کسانی که به او ایمان دارند زیاد مشکل نیست، زیرا روح او درون ماست تا نیرومندان کممان کند تا کاری که از ما می خواهد انجام دهیم. اشعیا 8 : 11-12 به ما می فرماید : که ایمانداران از هر آنچه غیر ایمانداران می ترسند ترسی نداشته باشند زیرا که خداوند با دست قوی به من چنین گفت : از ترس ایشان ترسان و خائف مباش چیزهایی که دنیا از آنها می ترسد ارث ما نیستند.

شما تنها کسی هستید که رفتار خودتان را کنترل می کنید. می توانید از هر آنچه دنیا از آن می ترسد بترسید و هراسان باشید یا اعتمادتان را بر خداوند بگذارید و ایمان داشته باشید که هر آنچه درکلامش فرموده، انجام خواهد داد.

خدا هر کجا هدایت کند تدارک هم خواهد دید

با قدرت خداوند در دروغمان باید قدرت ایستادگی در برابر هر نیروی مخالف را داشته باشیم. تعجب آور نیست که پولس رسول در فیلیپیان 4 : 13 فرمود: "قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد." اگر به تمام چیزهایی که بایستی در آینده انجام دهیم بنگریم، اغلب خود را در برابر آنها ناتوان می یابیم و شروع به ترس از آنان می کنیم. ولی خداوند هر کجا ما را هدایت کند برای ما تدارک نیز خواهد دید. ما می توانیم به او اعتماد کنیم که به ما فیض (قدرت روح القدس) دهد تا همه چیز را وقتی بیش می آیند به موقع انجام دهیم. خداوند بندرت به ما چیزی را می دهد تا روزی روزگاری به کارمان آید. او به بنی اسرائیل نان روزانه شان را روز به روز می داد. اگر آنها سعی می کردند تا سهم روز بعد را ذخیره کنند، می گندید و بو می گرفت (خروج 16 : 20) خیال ما می تواند راحت باشد که او فراهم می کند و به او می توانیم اعتماد کنیم.

فکرتان را روی این گفته متمرکز کنید که: " من برای همه چیز آماده ام. من با هر چیزی برابر هستم." در قلب خود مصمم شوید تا سرزمینی را که خداوند به شما داده تصرف کنید. شما به عنوان یک نوایمان توسط خداوند تدمین و دست گذاری شده اید تا از موانع عبور کنید شما می توانید از کم روئی، بزدلی و ترس آزاد باشید. فقط شروع به مقابله با شیطان کنید. به او اجازه ندهید که با دادن چیز هائی به شما، زیر فشار قرارتان دهد. بر علیه او به پا خیزید.

به آن سبد پر از رختهای کثیف بگو "تو مرا شکست نخواستی داد در نام مسیح" تا یک ساعت دیگر شما شسته شده و خشک شده و در جای خود قرار خواهید گرفت. و در تمام مدتی که مشغول انجام این کارها خواهم بود آواز خواهم خواند و خوشحال خواهم بود."

خداوند سرزمین موعود را به ما داده، سهم ما این نیست که با هراسها مقابله کرده و آن سرزمین را تصرف کنیم.

در هر صورت از زندگی لذت ببرید

اگر در حال تجربه یک مشکل مستمر هستیم، ممکن است فکر کنیم تا وقتی که آن مشکل را داریم نمی توانیم از زندگی لذت ببریم. این یکی دیگر از تفکراتی است که شیطان سعی می کند در ذهن ما قرار دهد تا شادی ما را بدزدد. خداوند می خواهد ما در همه حیطة ها پیروزی داده باشیم و از زندگی لذت ببریم، مهم نیست که مشکل چه باشد، او پیروزی و شادی را برای ما فراهم کرده. فقط باید رفته و سرزمین را تصرف کنیم.

واگر شیطان شما را با طرز فکری برنامه ریزی کرده، می توانید آن را عوض کنید. کولسیان 3 : 1-3 می گوید که فرمان را روی چیزهائی که در بالا هستند متمرکز کنیم."

پس چون با مسیح برخیزانیده شدید آنچه را که در بالاست بطلبید در آجائیکه مسیح است، بدست راست خدا نشسته زیرا که مردید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است.

خداوند به شوهر من دیوید نشان داد که چگونه آنچه در فکرش بود عوض کند و از زندگیش وقتی با یک مشکل تکراری و ادامه دار مقابله می کند لذت ببرد. دیوید سالها بطور مداوم، از زمانی که پسر جوان بود، سردرد میگرن داشت. اگر شما هرگز سردرد میگرن واقعی نداشته اید، مشکل است بتوانید درد آن را تجسم کنید. سردرد میگرن می تواند شما را از پای بیندازد و تا اعماق بدن شما رسوخ کند. سردردهای دیوید آنقدر شدید بود که جلو چشمانش جرقه های نور سفید می دید. با وجودیکه سر دردها بد بودند اما احساسی که بعد از آن داشت بیشتر او را ناراحت می کرد. گاهی اوقات بعد از اینکه سردرد بر طرف شد، آن شخص برای مدتی احساس تعجب می کند - کمی خود را جدا از دیگران حس می کند یا اینکه نمی تواند در جریان وقایعی که در اطرافش اتفاق می افتد، قرار گیرد. دیوید از آن سردرد ها هراس داشت - او این فکر را به ذهنش راه داده بود که این سردردها ادامه دارند. از زندگیش نمی تواند لذتی ببرد، ولی خداوند به او نشان داد که هراس به خودش راه ندهد خداوند به دیوید فرمود: تو لازم است که طرز فکر جدیدی داشته باشی و باید بپذیری که دیگر از اینها هراسی نداری. به او گفت: نگذار مشکل ترا تحت تأثیر قرار دهد.

تحت تأثیر کلام خداوند قرار بگیرید

تحت تأثیر قدرت خداوند قرار بگیرید. در واقع خداوند به دیوید می گفت: ایمان داشته باش که قدرت من به آن حد است که به تو نیرو دهد تا به زندگی ادامه داده و با وجود این سر دردها از زندگی خود لذت ببری. هر کدام از ما که با دردها و ناراحتی هایی زندگی می کنیم وقتی منتظر شفا هستیم، دو راه داریم: می توانیم اجازه دهیم تا این مشکل زندگی ما

را تبدیل به جهنم کند یا انتخاب کنیم که با وجود شرایط نامطلوب، بهترین زندگی را داشته باشیم .

عده افرادی از ما که تصمیم می گیرند از زندگیشان لذت ببرند خیلی بیشتر از کسانی است که می خواهند هیچ کاری انجام ندهند. اما دیوید تصمیم گرفت که به قدرت خداوند که قادر است بهترین ها را در زندگیش فراهم کند، اعتماد نماید.

کسانی که سردردهای میگرن را تجربه می کنند، قبل از اینکه درد به حداکثر برسد شروع آن را می توانند احساس کنند. یکبار که یکی از این سردردها به سراغ دیوید آمد، او بلافاصله با آن بر خورد کرده و گفت : من از تو نمی ترسم من تحت تأثیر تو قرار ندارم من از تو هراسی نخواهم داشت من تصمیم گرفته ام در هر حال از زندگیم لذت ببرم.

بعد از اینکه دیوید طرز تفکرش را تغییر داد و ایمان آورد که خداوند به طرز فوق طبیعی او را قادر خواهد ساخت تا با وجود این سردردها از زندگیش لذت ببرد، می دانید چه اتفاقی افتاد؟ او از آنها آزاد شد آنها ناپدید شدند!

با تمام حملات شیطان تهامی برخورد کنید

دیوید با آن سردرد، به محض اینکه احساس کرد در حال شروع شدن است، مقابله کرد. خداوند می خواهد ما را از هر ترس و هراس آزاد سازد، آتم با آوردن ما در وضعیت مقابله بر ضد هر حمله شیطان که برای نابودی ما یا برای دزدیدن شادی ما انجام می گیرد.

گاهی اوقات وقتی متوجه علائم جسمانی بیماری در بدنمان می شویم، تقریباً همیشه صبر می کنیم تا ببینیم بیماری تا چه اندازه پیشروی خواهد کرد. به محض اینکه مشکلی دیدید لازم است فوراً با آن مقابله کنید، در غیر این صورت بزرگتر خواهد شد .

اول پطرس 5 : 9 می فرماید: پس به ایمان استوار شده (بر علیه حملات او) با او مقاومت کنید (شیطان) . بیدار باشید و دعا کنید تا هر حمله شیطان را بشناسید و موقع حمله اش با آن مقابله کنید!

تعجب خواهید کرد اگر بدانید که تا چه حد می توانید از مشکلات جلوگیری کنید به شرط آنکه در همان ابتدای حمله شیطان مقاومت کنید. به محض اینکه علائم را مشاهده کردید شدیداً با آنها مقابله کنید، با دعا کردن در نام مسیح برای قدرت شفای او تا شما را لمس نماید. بر روی خودتان دست بگذارید یا از شخص دیگری بخواهید تا در دعا با شما متحد باشد. اگر دیوید و من صبح بیدار شویم و او بگوید: من زیاد حالم خوب نیست یا من بگویم سر درد دارم فوراً دعا می کنیم.

در یکی از جلسات عبادتی من، در پای میز فروش نوارها شخصی نزد آمد و گفت: برای من دعا کن. من شروع به از دست دادن صدای خودم کرده ام. او چندین بار مبتلا به ذات الریه شده بود. به دلیل اشکالاتی که در ریه هایش داشت کم کم صدایش گرفته تر می شد و این اولین علامت ابتلا به ذات الریه بود. من بر روی او دست گذاشته و دعا کردم. او بعداً به من گفت قبل از اینکه به خانه اش برسد صدایش کاملاً بهبود یافت. او می توانست منتظر بماند و فکر کند مثلاً "می دانم دارم مریض می شوم، نه شاید علتش ارتفاع باشد - من کاری در این مورد نمی توانم بکنم بر عکس او فوراً با علائم برخورد کرد و تقاضای دعا کرد. شیطان یک کیسه پر از بهانه به ما میدهد تا مزخرفات او را قبول کنیم. او نمی خواهد ما حملاتش را با استفاده از قدرت خداوند که در درون ماست، دفع کنیم.

یک تفکر جدید

اگر شما فکر می کنید از زندگی به دلیل یک مشکل تکراری طولانی نمی توانید لذت ببرید - یک شخص بخصوص که شما دائماً با او ارتباط دارید یا یک (عمل) ناخوشایند که اغلب بایستی انجام دهید - می توانید تصمیم بگیرید که بهترین زندگی را با وجود آن مشکل داشته باشید. هر کجا فکرمان را متمرکز

دهیم، احساساتمان به همان طرف می روند. برای مثال اگر نام کسی را که مدت مدیدی راجع به او فکر نکرده اید و احساسات شما را جریحه دار کرده است بشنوید، ممکن است شروع به فکر کردن در مورد آن شخص و آن اتفاق بنمائید و ناراحت شوید. هر چه بیشتر فکر کنید ناراحت تر می شوید و سپس ناگهان با عصبانیت مقابله می کنید. شما کاملاً می توانید از آرامش مطلق ناگهان بی اندازه عصبانی شوید و این به دلیل آن چیزی است که برای فکر کردن انتخاب کرده اید. به جای فکر کردن در مورد مشکل فعلی، می توانید فکرتان را در مسیر دیگر تنظیم کنید.

دیوید مشکل سر درد میگرن را از دوران کودکی به عنوان بخشی از زندگی‌اش داشته، هفته به هفته و ماه به ماه. ولی در یک لحظه از آن رها شد به دلیل اینکه فکرش را عوض کرد! و سالها و سالها از آن زمان می گذرد و در این مدت سر دردهای میگرن شاید سه بار دیگر سعی کردند به سراغ او بیایند. اولین باری که دیوید نزدیک به آن سردرد شد وقتی بود که در یکی از جلسات عبادتی خودمان شهادت داد که چگونه از آن سردرد رها شد. به فاصله یکی دو روز بعد از اینکه سالها بود که دیگر آن سردردها را نداشت، یکی از همان سردردها شروع به آمدن به سراغ او کرد!

می بینید اینجا چه اتفاقی داشت می افتاد؟ پشت این مشکلات روح های شریری هستند که بیشتر مشکلاتی که به ما حمله می کنند از همان روح هائی هستند که از جهنم آمده اند ما را آماج حمله خود قرار دهند و سعی در نابودی ما دارند! آنها از دشمن هستند و ما باید فوراً و بشدت با آنها مقابله کنیم.

شیطان از این مشکلات جاری استفاده می کند تا را با گذاشتنمان در موقعیت هراس، شادی را از ما بگیرد. مهم نیست که مشکل یک سردرد باشد یا کمردرد یا عادت ماهانه در خانها. همان لحظه که ما کوچکترین علامت و نشانه را احساس کردیم شروع به هراس می کنیم، اوه، نه، باز هم آمد. چگونه ما می توانیم از زندگی لذت ببریم وقتی در بند هراس هستیم ما از هراس هراس داریم؟ اول یوحنا 3: 8 به ما می گوید:

و از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد.

یعقوب 4 : 7 می گوید : و با ابلیس مقاومت کنید تا از شما بگریزد.

اول پطرس 5 : 8 می گوید : دشمن شما ابلیس مانند شیر غران گردش می کند .

عی گوید او یک شیر هست بلکه می گوید مانند یک شیر..

اهمیت ویگلزورت داستان یک سگ اهلی را تعریف می کند که خودش دید روزی از خانه بیرون دوید و خانی را دنبال کرد و به دور پاهایش می دوید . آن خام به سگ گفت : عزیزم می توانم اجازه بدهم امروز با من باشی ، و سگ دمش را تکان داد و کلی سروصدا کرد و آن خام گفت : عزیزم برو خانه ولی سگ نرفت. بالاخره خام با خشونت فریاد زد : برو خانه و سگ فوراً رفت.

برخی افراد با شیطان اینگونه رفتار می کنند شیطان تمام ملایمت ها را از شما تحمل می کند، او را با خشونت دفع کنید!

شیطان و تمام افراد شریرش که به دنبال ما می فرستد، مانند آن سگ هستند. با گفتن "برو" و در نام خداوند در مقابل او مقاومت کنید، او فرار خواهد کرد! دشمن روزی دستش برملا خواهد شد و اگر ما زندگیمان را در ترس گذرانده باشیم به او نگاه خواهیم کرد و خواهیم گفت : تو کسی هستی که من در تمام زندگیم از او می ترسیدم ؟ تو کسی هستی که ملتها را فریب می دادی ؟ تو ؟

شیطان مانند یک شیر غران به این طرف و آن طرف می رود، ولی ما شیر یهودا را درون خود داریم که به ما قدرت می دهد تا شیطان را وادار به فرار کنیم! مصمم باشید.

برخی از ما مشکلاتی داریم که مدت خیلی زیادی است وجود دارند که روحاً قبل از اینکه ما راجع به آنها چیزی بدانیم شروع شده بودند. ولی خدا را شکر می گوئیم که می توانیم مقابله با حملات جدید را شروع کنیم و همزمان با برخی از مشکلات قدیمی که حالا ریشه دار هم شده اند برخورد نمائیم.

رهائی از آلهایی که ریشه دارند مشکل تر است، ولی شدنی است. در حالت طبیعی بهبودیافتن برای دیوید غیرممکن بود. همانگونه که او انجام داد و از

سردردها پس از سالها تجربه آنها رهائی پیدا کرد. و با وجودی که این مشکل خیلی قدیمی بود ولی سردردها فوراً ناپدید شدند!

گاهی ظهور نتیجه فوری است و گاهی طی یک جریان پدید خواهد، آمد ولی در هر وضعیتی با اولین علامت شیطان، در برابرش مقاومت کنید. و او از شما خواهد گریخت!

ایمان یک حالت و رفتار دارد

برای لذت بردن از تمامی ارثیه ای که خداوند برایتان گذاشته باید با او یک توافق نامه داشته باشید که هر آنچه او برایتان گذاشته را دریافت کنید.

طبق عاموس 3 : 3 : آیا دو نفر با هم راه می روند جز آنکه متفق شده باشند؟ با خداوند متفق شوید که فکرتان را تنظیم کنید و آن را در جهت درست نگهدارید.

توقع شادی بخش از خدا

اگر رفتار درستی در ایمان داشته باشیم قدرت خداوند بر ما آمده تا کارهای سختی را که باید انجام دهیم، برایمان شادی بخش کند. راحتی و آسایش روح القدس بر ما می آید. ولی اگر با رفتاری نادرست شروع به انجام کارها کنیم، فقط دچار تیره روزی خواهیم شد.

همانگونه که در تثنیه 1: 27 دیدیم بنی اسرائیل رفتار بدی داشتند! آنها ناراضی و شاکی بودند و در خیمه هایشان نشستند آنها فکر کردند تصرف سرزمین موعود اگر نگوییم غیرممکن، خیلی مشکل است. آنها نمی خواستند با موقعیت روبرو شوند، بلکه می خواستند همه چیز را به راحتی بدست آورند.

با وجود معجزاتی که خداوند برایشان کرده بود (بیرون آوردنشان از مصر و هدایتشان)، بنی اسرائیل برای راهنمایی و محافظت و تصرف سرزمین موعود به او اعتماد نکردند. (آیه های 30 و 32) در عوض به ترسشان

اعتماد کردند "از حوریب تا راه جبل سعیر از طریق قادش برنیع سفر یازده روزه است (مرز کنعان) ولی بنی اسرائیل آن را در مدت چهل سال طی کردند (تثنیه 1: 2)

سفر بنی اسرائیل به سرزمین موعود که می توانست یازده روز به اتمام برسد مدت چهل سال طول کشید، فقط به دلیل شکایت های آنها و کم ایمانیشان! (اعداد 14 : 26-35) (تثنیه 1 : 26-40)

شکایت کردن در را به روی دشمن باز می کند تا وارد شده نابود کند (اول قرنطیان 10 : 10) .

رفتار از روی ایمان تکیه بر خداوند است و اطمینان و اعتماد داشتن به او. به جای اینکه از چیزی هراس داشته باشیم با پیش بینی کردن اینکه ما را تیره روز خواهد کرد، می توانیم ایمان داشته باشیم که خداوند می تواند به ما قدرت بدهد که از آن لذت ببریم .

چند سال پیش من تصمیم خودم را گرفتم که دیگر در تیره روزی زندگی نکنم گفتم: "خداوندا، من اینجا یک چیزی را نمی فهمم -من همه کارهای روحانی را که دیگران می گویند انجام می دهم، ولی در تیره روزی و غم هستم".

قسمت اعظم جواب در بکار بردن اصولی بود که خداوند به من نشان داد که او در این کتاب در مورد تعداد زیادی از چیزهای عملی ساده صحبت کرده است. کتاب مقدس عملی است! برخی از مشکلاتی که ما فکر می کنیم بسیار شاق و غیرقابل تحمل هستند، خیلی هم بد نیستند، آنقدر که آن مشکل، اجازه ورود به هراس و ترس و دزدیدن شادی ما را از راههای کوچک داشته باشد. ما بیشتر وقتمان را صرف درگیری با چیزهای بیرونی می کنیم در صورتی که به جای آن می باید اجازه دهیم خداوند چیزهای درونی ما را درست کند.

شادی، آرامش، راستی و قدرت درون ما هستند. رومیان 8 : 11 می فرماید: همان روحی که مسیح را از مردگان برخیزانید، درون ما زندگی می کند و بدن فانی ما را زنده می کند. قدرت زنده کننده خداوند می تواند در هر کاری که بدان دست می زنیم بیاید و مانند رعدو برق عمل کند. قدرت خداوند می تواند بر ما بیاید و به ما نیرو بدهد تا کارها و وظایف دنیوی و ساده

و هر روزه را با شادی عظیم انجام دهیم . افسسیان 5 : 18 به ما می فرماید :

..... و مست شراب مشوید..... بلکه از روح پر شوید.

هنگامی که ما فکرمان را بر چیزهای درونیمان و چیزهای بالاتر متمرکز می کنیم و اینگونه زندگی مان را ادامه می دهیم، در این حالت ما حتی اهمیت هم نخواهیم داد که دشمن دارد ما را با حملاتش از طریق هراسها و ترسهای کوچک تکان می دهد، بلکه ما به کارمان و یا امور دیگر خودمان می پردازیم . اگر ما پر از چیزهای درست بمانیم با تمرکز و درک اینکه خداوند کیست و ارثیه روحانی که بوسیله مسیح عیسی برای ما آماده شده چیست، چیزهای اشتباه که همان تلاش های شیطان برای دزدیدن شادی ما از طریق وسوسه ها می باشد، دیگر در ما جایی نخواهند داشت. خوبی بر بدی چیره می شود (رومیان 12 : 21) ولی ما هستیم که باید خوبی را برگزینیم.

ما می توانیم افکارمان را بر چیزهای بالاتر نگهداریم با به کار بردن افسسیان 5 : 18-20 : "و با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دلهای خود به خداوند بسرائید و ترم نمایید و پیوسته به جهت هر چیز، خدا و پدر را به نام خداوند ما عیسی مسیح شکر کنید ." (آیه های 19 و 20)

و مجدداً در کولسیان 3 : 2 و 3 می فرماید:

"در آنچه بالاست تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است، زیرا که مردید و زندگی شما بامسیح در خدا مخفی است . "

ما قادریم در چیزهای بالا تفکر کنیم زیرا که نسبت به خواسته های شیطانی دنیا که در کولسیان 3 : 4-5 توضیح داده شده مرده ایم ، این خواسته های شیطانی شامل ترس و هراس هم می شوند. قدرتمندانه فکر نکنید نه با ترس و هراس، چون مسیح که زندگی ماست ظاهر شود آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد . پس اعضای خود را که بر زمین است مقتول

سازید، زنا و ناپاکی و هوی هوس و شهوت قبیح و طمع که بت پرستی است .

کولسیان 3 : 4-5

ایمان در زمان حال است

ایمان همیشه در زمان حال است. اغلب ما وقت خیلی زیادی را در فکر کردن به دیروز و فردا و زندگی کردن در چیزی سپری می کنیم که من نام آن را گذاشته ام افسوس ها و هراسها. از کاری که انجام داده ایم تأسف می خوریم . در زمان حال ما دیگر کاری نمی توانیم انجام دهیم، به جز اینکه از خداوند تقاضا کنیم آن را بپوشاند تا اینکه ما به طریقی از آن چیز خوبی را دریابیم.

رومیان 8 : 28 می فرماید:

و می دانیم به جهت آنانیکه خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشند.

البته ما نمی خواهیم تند روی کنیم و در مورد گناه، رفتار گستاخانه ای داشته باشیم ! ولی شما می توانید زندگی خودتان را صرف تأسف خوردن از اشتباهاتی که کرده اید بنمائید. می توانید از ازدواجتان که به شکست منجر شده و یا در شغلی که موفق نشده اید یا فرصتی که از دست داده اید و هیچ راهی ندارید تا جبران کنید، تأسف بخورید.

"خداوندا، متأسفم که من این کار را کردم، تأسف می خورم که آن را انجام دادم. ای کاش آن کار را نکرده بودم" ولی بایستی به نقطه ای برسید که ببخشید و ادامه دهید.

اگر در آن تأسف ها زندگی می کنید، در ایمان زندگی نمی کنید، چون ایمان در زمان حال است ایمان برای همین حالا است، برای امروز. ایمان امروز به من می گوید ، به گذشته می شود رسیدگی کرد. همین حالا اگر من آن توقع لذت بخش را از خوب و خوبی داشته باشم، ایمان من امروز می تواند بگوید خداوند می تواند در مورد گذشته من کارهایی انجام دهد و باعث شود که

تمام آلهایی که اتفاق افتاده به جهت خوبی من کار کنند . پس اگر امروز ایمان داشته باشم که خداوند می تواند به گذشته من رسیدگی کند و آن را درست کند، امروز می توانم شادی داشته باشم . اگر به خاطر طرز فکرم و احساساتم با دیروز سرو کله می زنم ،راجع به آن فکر کنم و نگران هستم ، راجع به چیزهایی که دیگر در موردشان از دستم کاری بر نمی آید ، امروز را تلف کرده ام . اگر می خواهم همه چیزهای آینده را محاسبه کنم و از چیزهای آینده هراس داشته باشم ، امروز را از دست داده ام .

فکرتهای من را روی پیروزی متمرکز نکنید

وقتی صبح از خواب بیدار می شوید روز را با حالت ایمان آغاز نمایید . فکرتهای من را روی پیروزی متمرکز کنید . راجع به کاریکه باید انجام دهید فکر کنید سپس فکرتهای من را بر روی آن کار با فراوانی و شادی تنظیم کنید ، (بدون هراس، ترس، زمزمه، غرغر و شکایت و گلابه، تنظیم نکنید) ، ترس می گوید: وقتی بعضی از کارهایی را که امروز باید به آنها دست بزنم ، انجام دهم مگر نمی توانم از زندگیم لذت ببرم . ای کاش مجبور نبودم آنها را انجام دهم .

وضعیت ایمان می گوید: وقتی مسیح بر روی صلیب مُرد ، من با او مُردم . من قانوناً و وضعیّتاً نسبت به خواسته های شیطان مانند هراس و ترس مُرده ام . ترس از خداوند نمی آید . من مجبور نیستم در ترس زندگی کنم ، پس خودم را نسبت به آن چیزها مُرده می انگارم .

ترس و هراس امروز خواهد آمد تا با من رابطه داشته باشند، زیرا من همان روحی را دارم که مسیح را از مردگان برخیزانید و در من زندگی می کند تا با آنها جنگم من چیزهایی را که شیطان سعی می کند بر من تحمیل کند قبول نخواهم کرد. من در مورد گذشته تأسف و از آینده هراس نخواهم داشت و نخواهم ترسید .

من اعتماد و اعتقاد را بر خداوند گذاشته ام و با شادی انتظار دارم که روز خوبی را پشت سر بگذرانم زیرا مسیح آمد تا من حیات داشته باشم و از آن به فراوانی لذت ببرم در نام مسیح.

خداوند با من کار کرده تا مرا در اکنون زندگی کردن نگهدارد. من تصمیم گرفته ام که دیگر امروز را از دست ندهم. من امروز زندگی خواهم کرد و از آن لذت خواهم برد برای تمام دوران زندگیم، شما چطور؟

آیه های مورد استفاده برای هراس

همانگونه که در آیه های زیادی دیده ایم خداوند می فرماید که نه ترس داشته باشیم و نه هراس.

خداوند همچنین به ما اطمینان می دهد که ما قادریم این کار را انجام دهیم! فرمانهای او مشکل نیستند. (تثنیه 30: 11 و 14)

و او ما را توانائی می دهد که آنها را انجام دهیم. (فیلیپیان 4 : 13)

بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیافتید روح راغب است لیکن جسم ناتوان. (متی 26 : 41) .

در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید. (کولسیان 4 : 2)

و از آن جهت ما نیز از روزی که این را شنیدیم، باز نمی ایستیم از دعا کردن برای شما و مسئلت نمودن، تا از کمال معرفت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید. (کولسیان 1 : 9)

قوی و دلیر باش، مترس و هراسان مباش، زیرا در هر کجا که بروی یهوه
خداى تو با توست . (یوشع 1 : 9)

یهوه صبايوت ترا تقدیس نمائید و او ترس و خوف شما باشد (اشعیا 8 : 13)

آقای او به وی گفت: آفرین ای غلام نیک متدین بر چیزهای اندک امین
بودی، ترا بر چیزهای بسیار خواهم گماشت به شادی خداوند خود داخل شو.
(متی 25 : 21)

زیرا خدا روح جن را به ما نداده، بلکه روح قدرت و محبت و تأدیب را.
دوم تیموتائوس: 1: 7)

در محبت خوف نیست، بلکه محبت کامل خوف را بیرون می اندازد. (اول یوحنا 4
(18 :)

اینکه یهوه خداى تو این زمین را پیش روی تو گذاشته است. پس برآی و
چنانکه یهوه خداى پدرانت به تو گفته است آن را به تصرف آور و ترسان و
هراسان مباش (تثنیه 1 : 21)

قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد (فیلیپیان 4 : 13)

چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من
هستی (مزمور 23 : 4)

پس چون با مسیح برخیزانیده شوید آنچه را که در بالاست بطلبید در آجائیکه مسیح است، بدست راست خدا نشسته در آنچه بالاست تفکر کنید نه در آنچه بر زمین است، زیرا که مُردید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است (کولسیان 3 : 1-3)

هر چه راست باشد و هر چه مجید و هر چه عادل و هر چه پاک و هر چه جمیل و هر چه نیک نام است و هر فضیلت و هر مدحی که بوده باشد، در آنها تفکر کنید . (فیلیپیان 4 : 8)

نسبت به این هراسها و ترسها بیدار باشید که می آیند تا شادی شما را در زندگی از بین ببرند از خداوند بخواهید. به شما کمک کند تا آنها را بشناسید و سپس با آنها با کلام او برخورد نمایید. ذهنتان را از طرز فکر هراس با "هراس مُرد و ایمان زنده است" عوض نمایید . بیاموزید که لحظه به لحظه هر روز را پیروزمندانه زندگی کنید و شادی زندگی کردن یک زندگی پیروزمندانه را تجربه نمایید . آمین !